

درآمدی بر روش‌شناسی فقه گردشگری

*ابوالقاسم علیدوست

روش‌شناسی فقه گردشگری

آیت الله علیدوست، استاد دروس خارج حوزه‌های علمیه در یادداشتی در مجله وسائل به بررسی ابعاد فقه گردشگری و روش‌شناسی آن پرداخت:

فقه گردشگری از زیر مجموعه‌های فقه مضاف به شمار می‌رود. فقه مضاف طی دو سه دهه اخیر در کشور ما مطرح شده است و فقه گردشگری عمر کمتری دارد. درباره این موضوع باید به چند مطلب توجه کرد:

(۱) آیا اساساً چیزی به نام فقه گردشگری داریم؟ شاید برخی تصور کنند که این عنوان حکم و فقه خاصی ندارد، مثل فقه هواپیماسازی، فقه ریاضی یا فقه فیزیک. باید مشخص شود که آیا فقه گردشگری مانند این موارد است یا با آن‌ها تفاوت دارد؛

(۲) اگر پاسخ سوال نخست مثبت باشد، آیا گردشگری پدیده و موضوعی است که مورد توجه خاص قرار بگیرد یا فقه می‌تواند، بدون تکثیر و تفکیک بحث، از کنارش بگذرد؟ اگر به تکثیر و بسط بحث باشد، بحث سوم مطرح می‌شود؛

(۳) آیا این فقه روش‌شناسی خاصی دارد یا در این پدیده از روش عام فقه استفاده می‌شود؟ اصل موضوع فقه گردشگری زمان و مجال بیشتری می‌طلبد. اما این مسائل می‌تواند در حد یک یادداشت مفید باشد.

گردشگری

امروزه گردشگری فقط گردش نیست، اینکه چند نفر به منطقه‌ای، شهری یا کشوری مسافرت کنند و فارغ از جهات و پیام‌های مختلف و بدون آنکه متأثر شوند یا بر گردش‌پذیران تاثیر بگذارند، بازگردند.

گردشگری امروزه ظرفیتی بزرگ است، هم برای گردشگران و هم برای گردشگرپذیران. گردشگران می‌توانند فرهنگ، اخلاق و حتی دین و آیین خود را به طور مستقیم به منطقه‌ای که مسافرت می‌کنند، منتقل کنند. میزبانان نیز می‌توانند از جهات مختلف مذهبی، سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و شئونی مؤثر باشند. بحث‌های اقتصادی را نیز باید به ویژگی‌های گردشگری افزود.

گردشگری امروز منبع درآمد بسیاری از کشورها است. به گونه‌ای که نمی‌شود آن را نادیده گرفت، به ویژه در جمهوری اسلامی ایران. به نظر من، کشور ما از جهت سیاسی، اجتماعی، مذهبی، انقلابی و البته اقتصادی نیازمند است که این پدیده را دقیق بشناسد و به دقت تعریف کند. مشخص است که گردشگری فقط ظرفیت مثبت ندارد، بلکه می‌تواند حتی یک آسیب باشد. باید کارشناسان شئون مختلف - مذهبی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی - این پدیده را شناسایی و بررسی کنند.

هنر مدیران جامعه این است که از این ظرفیت استفاده کنند؛ از نقاط مثبت آن بهره ببرند و از پیامدهای منفی پرهیزند. منظور از مدیران فقط پایگاه‌های دولت نیست، بلکه تمام کسانی است که با این پدیده ارتباط برقرار می‌کنند؛ از جمله حوزه های علمیه و روحانیان.

به نظر من اگر این پدیده دقیق مطالعه شود، نظر موافقان و مخالفان بحث گردشگری به هم نزدیک می‌شود. این بحث به هر صورت مخالفانی دارد که نمی‌توان آنان را متحجر و متجمد خواند یا از درک و فهم این پدیده عاجز دانست. چنین نیست؛ دست کم بسیاری از آنان این گونه نیستند. چنانکه موافقانی دارد و نمی‌توان گردشگری و مسائل مربوط به آن را دغدغه مورد توجه تمام موافقان آن دانست.

برای رسیدن به نتیجه مطلوب و بررسی منصفانه این بحث باید از سیاسی شدن آن به شدت پرهیز شود؛ مثلاً نباید موافقت‌ها و مخالفت‌ها به دلیل و تحت تاثیر جهت‌گیری‌های جناحی باشد، بلکه باید فارغ از خط‌کشی‌های سیاسی و ملاحظاتی از این دست بررسی شود. کارشناسان باید این پدیده را که در واقع، یک تکنیک و نوعی تکنولوژی است، مطالعه کنند. با تکنیک خواندن این پدیده نمی‌خواهم آن را از استراتژی بودن خارج کنم، بلکه یک محور استراتژیک است، به ویژه برای کشوری مثل کشور ما که نمی‌خواهد در دنیا غایب باشد.

بنابراین باید کارشناسان مختلف با احترام به یکدیگر مسأله را بررسی کنند، آسیب‌ها و ظرفیت‌هایش را ببینند و به نتیجه برسند. بدون شک، فقها و حوزه‌های علمیه نیز از برآیند کارشناسی‌ها بهره خواهند برد. آنان باید عناوین اولی را ببینند و عناوین ثانوی را بررسی کنند، آن هم نه در عالم خیال، بلکه در میدان عمل؛ یعنی نمی‌توان در حجره نشست و عنوان ثانوی تراشید، بلکه برای آسیب‌شناسی درست باید کار میدانی انجام داد. آسیب‌های این مسأله ذهنی نیستند، بلکه میدانی و عملی‌اند. بنابراین گردشگری می‌تواند مشروط به آسیب‌شناسی و پرهیز از آسیب‌ها، ظرفیتی بزرگ باشد.

فقه گردشگری

ممکن است سوال بعضی این باشد که آیا گردشگری هم فقه دارد؟ اصلاً آیا شریعت درباره این مسائل نظر خاصی دارد؟ آیا درست است که گردشگری را با قید اسلام یا دین بیاوریم و برایش فقه گردشگری ایجاد کنیم؟ عده‌ای در این مسائل به قدری افراط کرده‌اند که مثلاً هواپیما سازی اسلامی و ریاضی اسلامی را نیز مطرح کرده‌اند. کسی درباره ریاضی اسلامی مصاحبه کرده بود. وقتی از او پرسیدند مگر ریاضی، اسلامی یا غیراسلامی دارد و اصلاً مگر ریاضی دین دارد؟ گفته بود بله پاسخ دو ضرب در دو در نگاه اسلامی و نگاه غیر اسلامی فرق می‌کند.

با افراط در این قضایا موافق نیستم و به نظرم این نگاه‌ها علمی نیست اما نباید سبب شود که در جاهایی نیز که می‌توان پسوند اسلامی را افزود، مورد تمسخر قرار گرفت. چنانکه نباید گستره شریعت را به قدری تنگ کنیم که تمام این موارد را از حوزه دین و شریعت خارج کنیم و بگوییم شریعت در این موارد نظری ندارد و اگر مطلبی هم آمده از طرف اسلام نیست؛ مثلاً اگر خداوند در قرآن فرموده: «سیروا فی الأرض» (۱) از جایگاه شارع اسلامی نگفته است. ممکن است یک مصلح

اجتماعی نیز به شهروندان خود بگوید «سیروا فی الأرض»، بنابراین این بحث اصلا خارج از گستره شریعت و دین است. زمانی فقه هسته‌ای را در تهران مدیریت می‌کردم.

پس از همایشی در این باره آقای که در خارج از کشور زندگی می‌کند، مسخره کرده بود که حالا همه چیز، حتی سلاح هسته‌ای، فقه پیدا کرده است. به گمان او ما در آن همایش درباره ساخت سلاح هسته‌ای صحبت می‌کردیم؛ اما بحث ما این بود که آیا کشوری حق تولید سلاح هسته‌ای و سلاح کشتار جمعی دارد؟ حال آیا این مسائل فقه ندارد؟ شریعت ندارد؟ قصدم این است که در موضوع گردشگری مبتلا به آن توهم غلط نشویم.

به نظر من همان قدر که مسائلی چون هوایما سازی اسلامی بی معنا است، خارج کردن بحث گردشگری از حیطه دین هم بی معنا است. اگر آن افراط باشد، این تفریط است. بحث درباره گستره شریعت، مفصل و خارج از این یادداشت است؛ اما در پاسخ به اینکه کدام گزینه درست است، من به گزینه وسط رسیده‌ام. بعضی از پدیده‌ها را نمی‌توان خارج از محدود نظر شارع دانست؛ به خصوص اگر عناوین ثانوی پیدا کنند؛ مثل وقتی که پدیده‌ای استراتژیک شود، چند ساحتی شود و ساحت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگ پیدا کند. برای نمونه می‌تواند مصداقی از تبلیغ دین باشد. در این صورت آیا می‌توانیم آن را از گستره شریعت خارج کنیم؟ نه، بدون شک نمی‌توانیم. گردشگری امروزه از این قبیل است.

من معتقدم به عنوان یک تعین و یک مصداق مهم، به ویژه در نظام اسلامی، این بحث داخل در حوزه شریعت است. ما می‌توانیم گردشگری دینی و حتی غیردینی داشته باشیم؛ می‌توانیم بگوییم واجب است، حرام است یا مستحب است.

روش شناسی فقه گردشگری

پذیرفتیم که پدیده مهم گردشگری داخل در حوزه شریعت است و فقه دارد. بنابراین فقهی به نام فقه گردشگری خواهیم داشت که نیازمند استنباط و اجتهاد است. به نظر من، فقه گردشگری روش‌های خاص خود را دارد، البته نه به این معنا که هنجارهای عام را نداشته باشد.

در این فقه نیز فقیه باید به اسناد مراجعه کند اما ممکن است در این موضوع درصد استنادش به عقل، بنای عقلا و هنجارهای اجتماعی بیشتر از زمانی باشد که درباره نماز مسافر استنباط می‌کند. توجه به ساحت‌های گوناگون گردشگری و عناوینی که پیدا می‌کند باید بیشتر از موضوعی باشد که چند ساحتی نیست و نقاط مختلف ندارد. موضوع شناسی، به تعبیر دقیق‌تر مصداق شناسی، در آنجا نقش پررنگی می‌یابد. توجه به آرای فرهیختگان، صاحب نظران و کسانی که در این بحث هم کار بنیادی کرده‌اند، هم کار کاربردی و هم کار میدانی، بسیار اهمیت می‌یابد. گاهی باید موضوع از این جهات بررسی شود. توجه به خروجی فقه این مسائل، برای فقیه بسیار مهم است.

باید بررسی کرد که آیا قضایای گردشگری دینی، جهانی و همیشگی است یا ممکن است مربوط به زمان خاصی باشد و در زمان دیگر باید راه دیگری را پیمود. هدف تعامل با دنیا است یا تقابل؟ فقه تعامل با فقه تقابل بسیار متفاوت است. اگر با فقه تقابل به سراغ استنباط احکام گردشگری برویم، به یک نتیجه می‌رسیم و اگر مبنای ما فقه تعامل باشد، به نتیجه‌ای دیگر

دست می‌یابیم. ممکن است در هنگام تعامل، ناگزیر باشیم که از بعضی مسائل چشم‌پوشیم و در واقع، باید بده بستان صورت بگیرد. این‌ها مسائلی است که فقیه مستقبل استنباط احکام گردشگری در دوران معاصر باید به آن توجه کند.